

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه - تهران)*

عبدالحمید قنبران^۱، مرضیه جعفری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰

چکیده

ارتقاء تعاملات اجتماعی از مهم‌ترین جلوه‌های فضاهای شهری موفق می‌باشد. پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در بین ساکنین ۱۸-۵۵ ساله ساکن و شاغل محله درکه تهران می‌پردازد. حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد برابر ۱۲۰ نفر تعیین گردید. با شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دسترس، پرسشنامه محقق ساخته با ۳۸ گویه تهیه و توزیع گردید. پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss نسخه ۱۸ تحلیل شد. روش آزمون و بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از آماره استیودنت (t)، همبستگی پیرسون و رگرسیون صورت گرفت. اعتبار (پایایی) این پرسشنامه به توجه آلفای کرنباخ معادل ۰.۸۱۱ مورد تأیید قرار گرفت. مقاله حاضر می‌کوشد ضمن شناسایی عناصر مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی، رابطه همبستگی بین این عوامل را در قالب یک مدل تحلیلی ترسیم کند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی-سیاسی شهر، ساختار کالبدی-فضایی و حالات روحی-روانی استفاده‌کنندگان از فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان درکه تأثیرگذار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

تعاملات اجتماعی، ساختار کالبدی، ساختار اجتماعی، فضای شهری، درکه.

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران

۲. دانشجوی کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران

مقدمه

انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز، به دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های ویژه هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و تعامل با هم‌نوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نائل شوند. رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون افزایش نابهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه شود (عبداللهی، ۸۳، ۱۳۸۹). از این نظر، استفاده و تخصیص فضاهای عمومی مسئله‌ای است که باید در مطالعات زندگی روزانه کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند مورد بررسی قرار گیرد. در دیدگاه صاحب‌نظران، فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌هایی باز و قابل دسترس تعریف می‌شود.

بدین خاطر که محله پس از خانه مکانی است که فرد، بیشترین برخورد و رفت‌وآمد را در سطح آن دارد، فضاهای عمومی عنصر مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در میان ساکنان آن است. از آنجاکه در گذشته محلات نقش گسترده و عمده‌ای در شکل‌دهی تعاملات اجتماعی ایفا می‌کردند، لذا با خلق مجموعه‌ای متمرکز از عملکردهای خدمات شهری همساز و یا مکمل یکدیگر می‌توان به وسیله جذابیت‌های عرصه جمعی آن، مردم را به سمت فضا سوق داد در این صورت با مشارکت شهروندان در امور مربوط به خودشان، در نهایت تصمیم‌گیری‌های محله به خود آن‌ها واگذار شده تا همراه با تقویت کنش و تعاملات اجتماعی، احساس تعلق بیشتری به محله خود پیدا کنند.

در این تحقیق، محله درکه واقع در شمال غربی کلان‌شهر تهران انتخاب شده است. از ویژگی‌های این محله دارا بودن بافت سنتی می‌باشد که مرکز محله قدیم آن همچنان نقش خود را به‌عنوان مرکز خدمات‌رسانی ایفا می‌کند. ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی به‌جای مانده از گذشته‌های دور از یک‌سو و قرارگیری این محله در مجاورت مسیر گردشگری شهروندان از سویی دیگر، سبب بروز و ظهور الگوهای رفتاری متمایز در رفتارهای اجتماعی شده است. تقابل سنت و مدرنیته هرچند سبب فاصله گرفتن اندک مجموعه‌ای از ارزش‌های سنتی شده است، اما شاکله اصلی و منظومه فرهنگی، اجتماعی محله همچنان قابل مشاهده می‌باشد. این ویژگی‌های منحصر به فرد، محله درکه را گزینه‌ی مناسبی جهت بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقاء تعاملات اجتماعی تشکیل داده است. نهایتاً سعی بر آن بوده تا با در نظر گرفتن نظرات ساکنان با پرسشنامه‌ای که بر مبنای مبانی نظری تحقیق، طرح و ساخته شد، خواسته‌های

ساکنین را در ارتباط با نقش بناهای عمومی، ساماندهی مرکز محله و فضای باز آن مدنظر قرار داده، عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی را شناسایی کنیم.

مفاهیم و مبانی نظری

پیشینه تحقیق

رفعیان و خدائی (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران با شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، سه متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی را از اثرگذارترین عوامل در رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کند. رفعیان و همکاران (۱۳۸۷) به سنجش تأثیرگذاری فضاهای عمومی - شهری در میزان اجتماعی شدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان می‌پردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع‌پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضاهای عمومی - شهری دارد. در مطالعاتی در مینه سوتای شمالی^۱ که برای سنجش کیفیت محیط‌های مسکونی انجام شده است، سه مؤلفه‌ی حس مکان، احساس تعلق مکانی و هویت مکان را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط در نظر گرفته‌اند. دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) در تحقیق خود فرآیند اجتماع‌پذیری و ارتقاء حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا دانسته‌اند. و با توجه به آن‌ها به ما به ازاهای فضایی چون دعوت‌کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگوی فعالیتی در راستای هدفشان اشاره نموده‌اند. کاشانی جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، این فضاها را به‌عنوان مکان سوم که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند می‌شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تأثیرات محیطی - رفتاری فضاهای شهری و در دوران اخیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها را مبتنی بر ملاحظات زیست‌محیطی - پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌داند. ترابی (۱۳۹۱) تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، سه عامل جذابیت و زیبایی، امنیت و آرامش و دسترسی و سلسله مراتب را برافزایش تعاملات اجتماعی تأثیرگذار دانسته است.

جایگاه تعاملات اجتماعی

سکونت‌گاه‌های شهری قبل از مدرنیسم، فضاهای عمومی مانند میدان‌های شهری و بازارها، به‌عنوان عرصه‌ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده‌اند و در حقیقت مکان‌هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان‌پذیر می‌ساختند، قلمداد می‌شده‌اند (مدنی‌پور، ۱۳۸۴). علاوه بر این، فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک می‌کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می‌شوند. در حقیقت این فضاها فراتر از مکانی صرفاً برای حضور منفعلانه هستند. پاکزاد (۱۳۸۹) با تفکیک قائل شدن بین فضای عمومی و فضای شهری، تنها آن دسته از فضاها که قابلیت وقوع تعامل و برقراری تعاملات اجتماعی را دارند در درجه‌ای بالاتر و به‌عنوان فضاهای شهری ارزیابی می‌کند.

در مطالعه‌ای که بر روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، نشان داده شده است که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند (www.pps.org). این عوامل عبارتند از: دسترسی و به‌هم‌پیوستگی، آسایش و منظر، کاربری‌ها و فعالیت‌ها، اجتماع-پذیری. همچنین حنا آرت^۲ (۱۹۵۸) قلمرو عمومی را عامل اصلی برونگرایی و زندگی سیاسی و عمومی می‌داند. پاول زوکر^۳ (۱۹۵۹) میدان حوزه عمومی را عامل تبدیل جامعه به اجتماع و نه صرفاً محل تجمعی از افراد می‌داند. جین جیکوبز^۴ (۱۹۶۱) پیاده‌روها را عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی می‌داند. ویلیام وایت^۵ (۱۹۸۰) بر نقش اجتماعی فضاهای شهری تأکید می‌کند. یان گل^۶ (۱۹۸۷) فعالیت‌های قابل انجام در فضاهای شهری را به سه دسته ضروری، انتخابی و اجتماعی تقسیم می‌کند. که از این میان نقش دسته‌های دوم و به‌ویژه سوم در کیفیت بخشی به فضاهای شهری ممتاز می‌داند. اولدنبرگ^۷ (۱۹۸۹) عرصه‌های عمومی شهرها را به‌عنوان مکان سوم (خانه و محل کار را مکان اول و دوم می‌داند) تعریف می‌کند (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۰). کالر کوپرمارکوس^۸ (۱۹۹۰) فضاهای شهری را در هفت سطح معرفی می‌کند. تأکید اصلی وی فضاهای شهری و مردمی که در آن قرار دارند می‌باشند. در کتاب مکان‌های مردمی، او و همکارانش به ارزیابی محیط سکونتی می‌پردازند و فضاهای شهری را به‌ویژه از منظر ایجاد ارتباطات اجتماعی در هفت گروه دسته‌بندی می‌کنند: پلازاهای شهری، پارک‌های محله‌ای (واحد همسایگی)، پارک‌های جمع‌وجور، فضاهای باز مدارس، فضای باز مسکونی ویژه سالمندان، فضای باز ویژه نگهداری و بازی کودکان، فضاهای باز درمانی (رضایی، ۱۳۸۳، ۵۸). این رویکرد مرتبط با تقویت تعاملات

اجتماعی مربوط به دوره دوم از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی می‌باشد، که پیش‌تر به آن اشاره شد.

بدون تردید محله به‌عنوان یکی از عرصه‌های فضاهای شهری قابلیت تولید بستر مناسب جهت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را دارا می‌باشد. محله تیلور کالبدی اجتماع و مرزهای آن تیلور حریم‌ها و قلمروهاست، توجه به بعد اجتماعی محله، قلمروهای اجتماعی و غیر کالبدی و ایجاد عناصر کالبدی که بتوانند مرزهای قلمروی اجتماعی را هر چه بیشتر مهیا سازد، می‌تواند به سازمان-دهی بیشتر کنش‌های متقابل و تعاملات اجتماعی منجر شود. احیای مراکز محله‌ای با هویت از نیازهای اجتماعی یک شهر است و برای جذب مردم به فضای اجتماعی محله باید شاخص-های امنیتی، دسترسی، نظارت و برگزاری مراسم مذهبی- ملی و باستانی با ماهیت جمعی در فضاهای عمومی در کنار احداث فرهنگسراها، کافی‌شاپ‌ها و کافی‌نت‌ها را دارا باشد.

فاکتورهای مؤثر بر تعاملات اجتماعی

افراد بر اساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقش‌های معین خود، به آن می‌پردازند. بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جست‌وجوی مکان‌هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند، بشناسند. اما باآنکه همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن مکان است، درعین حال مکان‌های اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد باهم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (Marcus & Sarkissian, 1986). در واقع فضاهای عمومی با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی (ولو شکننده و ناپایدار) در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد پس از "انعقاد" اولیه تعامل اجتماعی، تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتاری متنوع است؛ خود زمینه‌ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد (قنبران، ۲۰۰۴، ۱۷۸).

مسعودی (۱۳۸۷) حوزه عمومی را فضایی می‌داند که در آن فرد به بیان خویش در ارتباط با دیگری می‌پردازد. او ویژگی این حوزه را جمع شدن اشخاص خصوصی‌گردد هم و بحث در مورد علائق عمومی دانسته، لذا این پدیده اجتماعی بایستی در

رویدادهای پیرامون که یکی از عوامل تعیین کننده در میزان پاسخگو بودن فضا است. در کنار آن نیاز انسان به پیچیدگی و امکان کشف فضا می تواند توسط خلق فضاها و منظرهای متنوع، فعالیت های گوناگون باهدف تأمین تنوع، جاذبه و تجارب گوناگون و ایجاد حرکت در بازدیدکنندگان از فضا به وجود آید (Carl et al, 1992). نیاز به امنیت با عواملی چون رؤیت پذیری فضا (Crowe, 2000)، امکان ادراک محیط، ایجاد تصور از مکان و ارزش های زیبایی شناسانه مکان و نهایتاً کنترل مکان با استفاده از اشکال مختلف مکانیکی و طبیعی قابل تأمین است (دانشپور، ۱۳۸۶).

آموس راپاپورت از برجسته ترین نظریه پردازان علوم رفتاری است که به مسائل شهری توجه نشان داده است. او با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفی موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته و حرکت در محیط را مهم ترین عامل شناخت محیط و طرح ذهنی می داند. جان لنگ نیز به بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط پرداخته است. او در اثر خود تحت عنوان آفرینش نظریه معماری به چگونگی دریافت آدمی از فضا و عوامل محیطی تأثیرگذار به این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرحواره ذهنی می داند که به رفتارها و فعالیت های او در عرصه عمومی شهر شکل می بخشد (کاشانی جو، ۱۰۳-۱۰۴).

لنگ در کتاب آفرینش های نظری می گوید که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند، در هر محیطی زمینه آن را فراهم می کنند. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است که دلیل بر مطلوب بودن تعامل اجتماعی است. لذا هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت های مردم، با به وجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کنند. کریستوفر الکساندر (۱۹۷۷، ۱۹۷۲) ملاقات گاه به گاه و غیررسمی را زمینه توسعه دوستی ها و روابط روزمره مردم دانسته است. تعامل اجتماعی، نگرش افراد را با پیشینه ذهنی و ویژگی های متفاوت به یکدیگر نزدیک می کند (لنگ، ۱۸۷، ۱۸۶).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات همبستگی است و به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی می باشد. روش تحقیق، روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه ساکنان ۱۸-۵۵ ساله محله درکه می باشد. حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای ۵ درصد و با این فرض که ۵۰ درصد از جمعیت پاسخ یکسانی

دسترس تمام شهروندان باشد. Gehl (۲۰۰۳) به ابعاد انسانی فضاهای عمومی توجه کرده و آن را عامل حضور مشتاقانه مردم و مشارکت آنان می داند. لnard، (۱۹۸۴) دو عامل کالبد و پیش بینی و خلق رویدادهای اجتماعی را از عوامل تأثیرگذار در حضور و تعامل اجتماعی افراد می داند که در ارتقاء حس تعلق به مکان نیز مؤثر است. دانشپور، (۱۳۸۶) به شناخت فضا و ابعاد مختلف فضای عمومی پرداخته، بهره گیری از توان های اجتماعی آن و ارتقاء فرصت های مشارکت در حیات جمعی را در خلق یک فضای عمومی موفق مؤثر می داند. Kaplan (۱۹۹۸) کیفیات کالبدی یک فضای عمومی را مدیون وجود عناصر طبیعی دانسته که منجر به افزایش هیجان و سرزندگی محیط، امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می شود. Whyte (۱۹۸۰) عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جنبه های کالبدی فضاهای عمومی را یادمان ها، پله ها، آب نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان ها به حضور و تعامل می داند. پاکزاد (۱۳۸۴) تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تناسبات، انعطاف پذیری، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، بدنه ها، پیوستگی کالبدی و فضایی را بر ادراک انسان مؤثر می داند. PPS (۲۰۰۰) که نهادی است که برنامه ریزی برای فضاهای عمومی را مورد تحقیق قرار می دهد، فرصت های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تأمل بیشتر در فضا، فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل ایستگاه اتوبوس، زمین بازی، مکان غذا خوردن و ...، ورودی های دعوت کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی، پیش بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن، راه ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم به درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی، کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده، تعریف بدنه ها و هویت جداره ها، ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری و پیش بینی فعالیت های جاذب را از عوامل مؤثر در پاسخگویی فضاهای عمومی به نحو مطلوب می داند.

تأمین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی شهری بیشترین ظرفیت را در این رابطه دارند. جو آرام، وجود عوامل طبیعی، حریم فضا و کنترل وسایل نقلیه از آنجا که تأمین کننده نیاز انسان به استراحت داشتن می باشند، مؤثرند (Whyte, 1980). نیاز انسان مبتنی بر تماس مستقیم با محیط بیانگر تجربه مستقیم فضا، مردم و فعالیت های اجتماعی چون تعامل با آشنایان، گردهمایی، قدم زدن، بازی، تفریح و در کنار آن ورزش، فعالیت های جسمی، امکان رقابت و ... می باشد که در ایجاد تصویر ذهنی مطلوب افراد از فضا، پویایی و هیجان، کسب تجارب جدید و آموزش محیطی، نقش مستقیم دارد (Whyte, 1980). از دیگر نیازها فراهم بودن امکان مشاهده و نظارت دیگران و اتفاقات و

گرفت. آلفای کرنباخ به دست آمده معادل ۰.۸۱۱ می باشد که نشان دهنده پایایی بالای پرسشنامه می باشد (جدول ۱).

جدول ۱: جدول تعیین قابلیت اتکایی پرسشنامه

Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha Based on Standardized		
Cronbach's Alpha	Items	N of Items
.811	.801	38

سپس برای بررسی این که آیا حجم نمونه انتخاب شده برای تحلیل عاملی کافی است، آزمون کفایت نمونه برداری کیزر-میر-الکین (KMO) انجام شد. همچنین برای این که مشخص شود که همبستگی بین مواد آزمون در جامعه برابر صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلت (Bartlett's Test of Sphericity) استفاده شده است. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود در پژوهش حاضر اندازه آن برابر با ۰.۶۶۹ است که با توجه به اینکه این عدد بالاتر از ۰.۶ می باشد میزان قابل قبولی محسوب می شود. همچنین آزمون کرویت بارتلت در سطح $P < 0,000$ معنی دار است.

جدول ۲: نتایج اندازه های مربوط به KMO و آزمون کرویت بارتلت

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.669
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	1788.114
	df	496
	Sig.	.000

فضا در کنار ابعاد شکلی و زیبایی بصری که تجربه حرکت توسط انسان در درون فضا توسط وی ادراک شود، از عوامل مؤثر در شکل گیری تعاملات اجتماعی در میان افراد دانسته شده است. همین طور عامل مشارکت و همراهی، یکی دیگر از عوامل ارتقاء تعاملات اجتماعی شناخته شده است. همچنین با توجه به مطالعات انجام شده که در واقع مبانی نظری تحقیق را شکل داده است عوامل مؤثر بر شکل گیری تعاملات اجتماعی که عبارتند از: قلمرو، ازدحام، خلوت، حس تعلق، امنیت اجتماعی - محیطی، حس مکان، اجتماع پذیری، فضا، اعتماد اجتماعی، مشارکتی بودن فضا، مراسم مذهبی، طبقه اجتماعی و پایگاه اقتصادی، وجود انواع فضاهای عمومی و پاتوق در محله، فاصله دسترسی و نوع و میزان مراجعه ساکنین از منابع مختلف استخراج شد. بر اساس نتایج حاصل از جدول شماره ۳ مهم ترین عوامل از نظر پاسخ دهندگان،

بدهند، برابر ۱۲۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری به روش تصادفی ساده و در دسترس صورت گرفته است. در پژوهش حاضر به منظور دسترسی به علل و عوامل مؤثر در شکل گیری تعاملات اجتماعی از پرسشنامه ای با ۳۸ گویه در قالب درجه بندی لیکرت و به صورت پنج درجه ای (بسیار خوب تا بسیار ضعیف) به گویه ها پاسخ داده می شود. برای کمی سازی پاسخ ها به درجه بندی ها از پنج تا یک نمره داده می شود. برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات از نرم افزار Spss-۱۸ استفاده شده است. روش آزمون و بررسی فرضیات تحقیق استفاده از آماره استیودنت (t)، همبستگی پیرسون و رگرسیون می باشد.

یافته های پژوهش

به منظور روا سازی این پرسشنامه و پاسخ به این سؤال که پرسشنامه واقعاً آنچه را که برای آن طرح شده است می سنجد یا نه، از دو روش روایی محتوا (content - validity) و روایی سازه (construct - validity) استفاده شده است. در اعتبار محتوا، بر اساس ادبیات نظری و همچنین تأیید پنج نفر از اساتید قرار گرفت. لازم به توضیح است از لحاظ قابل فهم بودن کلیه سؤالات، پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از ساکنین نیز قرار گرفت. سپس با اندک تغییرات ابزار نهایی در اختیار پاسخگویان قرار

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر در تقویت تعاملات اجتماعی ساکنین محلات مسکونی صورت گرفته است. و نهایتاً با توجه به دستاوردهای این پژوهش سعی شد عوامل مؤثر بر ارتقا پیش گفته معرفی گردد. بدین منظور، مطالعاتی بر روی نظریه های مطرح شده پیرامون تعاملات اجتماعی و امکان شکل گیری رویدادها و همین طور تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور حول این مسئله انجام شده است. با مطالعات انجام شده که به آن ها اشاره رفت، صاحب نظران در زمینه تعاملات اجتماعی، نقش فضاهای عمومی را در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می کنند و بر این باورند که بیش از هر عامل دیگری، حضور سایر افراد در فضا است که مردم را به خود جذب می کند. از طرفی جنبه های اجتماعی و فعالیت های جاری در

"ساختار اجتماعی- سیاسی شهر"، "ساختار کالبدی- فضایی" و "عامل روانی- اجتماعی" استفاده‌کنندگان از فضا. در مرحله بعد با محاسبه همبستگی بین شاخص‌های اصلی به دست آمده در جدول شماره ۳، رابطه همبستگی هر یک از عوامل به دست آمد. این نتایج (جدول ۴) با نتایج تحقیقات نوغانی و همکاران، با ضریب همبستگی ۰/۲۱ عامل روانی- اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا بر ارتقاء تعاملات اجتماعی همخوان است. همین‌طور با نتایج تحقیق غیاثوند مبتنی بر رابطه معنادار اجتماع‌پذیر بودن فضا که یکی از خصوصیات کالبدی فضا محسوب می‌شود با ارتقاء تعاملات اجتماعی همسو بوده و بیانگر تأثیر کیفیت محیطی در ارتقاء تعاملات اجتماعی است. نتایج تحقیق دانشپور نیز، با نتیجه این تحقیق که رابطه معناداری میان حس مکان و اجتماع‌پذیری فضا با ارتقاء تعاملات اجتماعی بیان می‌کند در یک جهت بوده و آن را تأیید می‌کند. به علاوه تحقیق رفیعیان و همکاران با نتایج این تحقیق همسو بوده و آن را تأیید می‌کند. چراکه رابطه معناداری میان اجتماع‌پذیر بودن فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی وجود دارد. و نهایتاً در مطالعاتی که در مینه‌سوتای شمالی نیز انجام شده با نتایج این تحقیق همسو می‌باشد. در این تحقیق عامل حس مکان با ضریب همبستگی ۰/۷۶۱ اهمیت بیشتری را نسبت به حس تعلق با ضریب همبستگی ۰/۴۸۹ دارد.

طیف قابل توجهی از عوامل را در سه دسته اصلی تشکیل می‌داد. مجموعه این عوامل با نظرخواهی و مشاوره با پنج نفر از اساتید متخصص در این زمینه به شرح ذیل نام‌گذاری شدند:

جدول ۳: جدول تعیین عامل‌ها

	Component		
	1	2	3
q28	.877		
q17	.836		
q30	.768		
q29	.749		
Q16	.616		
q13	.567		
q22		.774	
Q18		.767	
q20		.758	
q23		.631	
q21		.599	
q10		.534	
Q19			.685
q6			.684
q5			.619
q9			.579
q7			.564

جدول ۴: بررسی همبستگی بین شاخص‌های اصلی (مأخذ: نگارندگان)

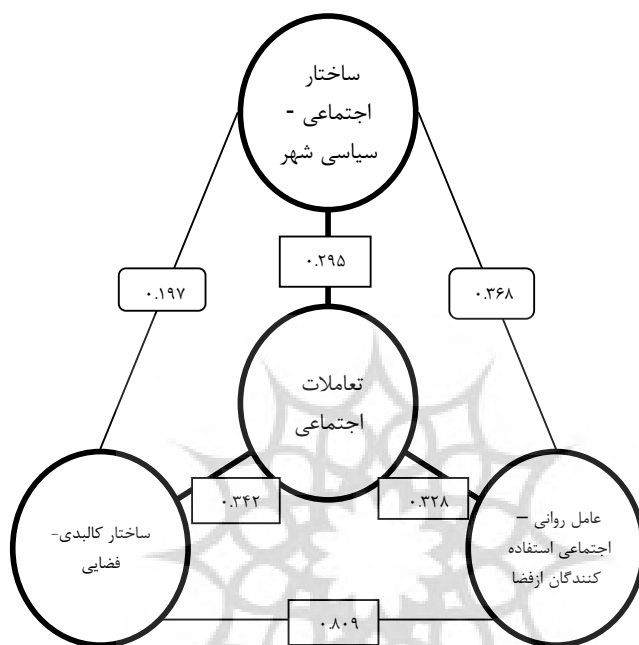
Correlations				
ساختار کالبدی- فضایی	ساختار اجتماعی- سیاسی شهر	عامل روانی- اجتماعی	تعاملات اجتماعی	ساختار کالبدی- فضایی
.342	.295**	.328	1	ساختار کالبدی- فضایی
.001	.000	.001	سطح معناداری	تعاملات اجتماعی
120	120	120	تعداد	تعداد
.197*	.295**	.368**	1	ساختار اجتماعی- سیاسی شهر
.001	.000	.000	سطح معناداری	ساختار اجتماعی- سیاسی شهر
120	120	120	تعداد	تعداد
.809**	.328	.368**	1	عامل روانی- اجتماعی
.000	.001	.000	سطح معناداری	عامل روانی- اجتماعی
120	120	120	تعداد	تعداد
1	.342	.809**	1	ساختار کالبدی- فضایی
.000	.395	.000	سطح معناداری	ساختار کالبدی- فضایی
120	120	120	تعداد	تعداد

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed)

با ۰/۳۲ در ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان درکه مؤثر شناخته شد. این نتایج اهمیت هر یک از سه فاکتور مورد بررسی قرار گرفته شده را در ارتقای تعاملات اجتماعی نشان می‌دهد که در نمودار زیر قابل مشاهده است.

نهایتاً مدلی از تحقیق با استفاده از نرم‌افزار spss و آزمون‌های T Student و Pearson استخراج شد که بیانگر آن است که ساختار اجتماعی- سیاسی شهر و زیر فاکتورهای آن با ضریب همبستگی ۰/۲۹، ساختار کالبدی- فضایی با ۰/۳۴ و حالات روحی- روانی استفاده‌کنندگان از فضا و زیر فاکتورهای آن



نمودار ۱. مدل تحلیلی تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

پی‌نوشت

- 1- North Minnesota
- 2- Hannah Arendt
- 3- Paul Zucker
- 4- Jane Jacobs
- 5- William Hollingsworth Whyte
- 6- Jan Gehl
- 7- Oldenburg
- 8- Clare Cooper Marcus

فهرست منابع

- ترابی، محمد (۱۳۹۱). طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص. ۲۱-۳۳.
- حق‌شناس، احمد (۱۳۸۸). توسعه محله‌ای در کلان‌شهر تهران (محله درکه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی.
- دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۷۹). بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان)، نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب، رساله دکترا در شهرسازی، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص. ۱۹-۲۸.

- رفیعیان، مجتبی؛ خدائی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، نشریه راهبرد، شماره ۵۳، سال هجدهم، صص. ۲۲۷-۲۴۸.
- رفیعیان، مجتبی؛ رضازاده، راضیه؛ سیفیایی، مهسا؛ احمدوند، یزدان (۱۳۸۷). سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهر از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) مورد پژوهی میدان نبوت تهران، فصلنامه هنر، (۲)۱، صص. ۵۴-۳۷.
- رضایی، محمود (۱۳۸۳). شهرسازی شهروندگرا؛ ارتقا عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری، ترجمه محمد احمدی‌نژاد، نشر خاک، چاپ اول، اصفهان.
- عبداللهی، مجید (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، تهران.
- غیاثوند، الهام (۱۳۸۸). تأثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۵، صص. ۲۲-۲۸.
- کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، شماره ۶، سال چهارم، صص. ۹۵-۱۰۶.
- لنگ، جان (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی‌فر، دانشگاه تهران، تهران.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی)، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- مسعودی، کیومرث (۱۳۸۷). جایگاه تعامل اجتماعی، نشریه شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۲۶.
- نوغانی، محسن؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا، صفا، شیما؛ کرمانی، مهدی (۱۳۸۷). کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد. دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، (۵)۱، صص. ۱۱۱-۱۴۰.
- Car S, Mark F, Leanne R, Andrew S (1992). Public Space, Cambridge University Press, Massachusetts.
- Gehl J (1987). Life Between Buildings, Translated by J. Koch.
- Ghanbaran AH (2004). Iranischer Basar im Wandel, Stuttgart.
- Kaplan S, Kaplan R (1982). Human Scape: Environments for People, Ann Arbor, Ulrich's Books.
- Lennard & Lennard (1984). Public Life in Urban Places, Godlier, Southampton.
- Marcus CC, Sarkissian W (1986). Housing as if People Mattered, Berkeley, University of California Press.
- Whyte W (1980). Social Life of Small Urban Space, Conservation Foundation.

